

## تقابل میان سنت و مدرنیته

یوحنا نجدی

اعتماد ملی، ش ۸۰۹، ۱۳۸۷/۹/۱۸

آقای نجدی در این مقاله به تقابل سنت و مدرنیته در ایران اشاره دارند که استفاده از معادل فارسی «تجدد» به جای «مدرنیته»، گویای این واقعیت است که تا مدت‌ها در ایران، تلقی درستی از عصر مدرن ایجاد نشده بود. واژه تجدد که پس از انقلاب مشروطه متداول شده بود، بیش و کم معنای «نوآوری» را به همراه داشت. شیخ محمد خیابانی عنوان تجدد را برای هفته‌نامه انقلابی خود که در تبریز و به سال ۱۳۳۵ هجری قمری انتشار می‌یافت، برگزیده بود. سال ۱۳۴۲ هجری قمری نیز، روزنامه‌ای با عنوان تجدد و به مدیریت شیخ العراقین منتشر شد که از سردار سپه حمایت می‌کرد. به نظر نویسنده بیراهه نیست اگر استدلال کنیم که پیشگامان، حداقل به تفاوت‌های هستی‌شناسیک (Ontological) میان سنت و مدرنیته پی نبرده بودند و شاید بر همین اساس بود که احمد کسروی نیز واژه «نواندیش» را به جای «متجدد» پیشنهاد می‌کرد و معتقد بود که تجدد و متجدد، ساخته ژورنالیست‌هاست که در غبار زمان، دیر یا زود از یادها خواهد رفت. ایشان مدرنیته را به «جهان‌نگری مدرن و شیوه [نوین] نگرش انسان به جهان اطلاق می‌کند که در طول سده‌های دوران جدید از سده پانزدهم تا نیمه سده نوزدهم میلادی، در غرب تکوین یافت و پس از آن در دیگر نواحی جهان گسترده شد. از نظر نگرش جامعه‌شناختی، مدرنیته بر عقلانی‌سازی اقتصادی و اداری و تمایز ساختاری جهان اجتماعی، دلالت دارد. تفکیک واقعیت از ارزش و تفکیک حوزه‌های اخلاقی از نظری.»

نویسنده، مدرنیته را تجربه مدرن بودن می‌داند که از کنونی بودن انسان سخن می‌گوید؛ مدرنیته «اکنونیت» فلسفی - سیاسی انسان مدرن را بازتاب می‌دهد و به اعتقاد مارشال برمن، مدرنیته تکاپوی زن و مرد امروز است که هم هدف است و هم عامل نوگرایی. هم از این رو، مدرنیته نوعی دینامیک است که هر لحظه، دگرگونی‌های جدیدی را در اطرافمان نوید می‌بخشد.

اما قاجاریه این دینامیک و «اکنونیت» را نه در چارچوب معرفت‌شناختی، بلکه در قامت بی‌رحم میلیتاریستی پذیرفت. با این وجود، زمان زیادی سپری نشد تا نسل‌های بعدی و به ویژه روشن‌فکران، به گونه‌ای گریزناپذیر مدرنیته را به مثابه نوعی «صورت‌بندی» تعریف کنند که نه فقط صنعت‌گرایی و گذر از چرخه انقیاد کشاورزی را به همراه خواهد داشت؛ بلکه معماری، هنر و الگوی زیست انسان‌ها را نیز دستخوش دگرگونی قرار می‌دهد. از این رو، رفته رفته و به‌رغم همه عقب‌ماندگی‌های ایران عصر قاجاریه، در اصطکاک میان سنت و مدرنیته، به زمانه مشروطیت و مطالبات مبتنی بر آزادی‌خواهی و تجدید قدرت سیاسی

رسید. چالش میان سنت و مدرنیته البته هنوز هم در زندگی ایرانیان موضوعیت دارد. چه این پاندول گاه به سوی سنت می‌غلطد و گاه در مدرنیته لنگری اندازد.

مژارش‌گر: حسین احمدی

## سنخ‌شناسی عقلانیت

امیر وحیدیان

همشهری، ش ۳۷۲۲، ۱۳۸۷/۹/۲۵

آقای وحیدیان معتقدند عقل یکی از مفاهیمی است که در طول تاریخ اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، بیشترین درگیری‌های لفظی و اشتغالات ذهنی اندیشمندان را به خود واداشته است. در سنخ‌شناسی مفهوم عقل، یک پیش‌فرض مهم وجود دارد که عقل پدیده‌ای است دارای هویت «جمعی و جاری». بر طبق این پیش‌فرض، «عقل» در اثر «ارتباطات گوناگون» و مناسبت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و استعلاء می‌یابد. به نظر نویسنده در سنخ‌شناسی، مفهوم عقلانیت و در یک نگاه کلی به بازتاب‌های عقل در زندگی بشر می‌توان سه سطح عمده از مفهوم عقلانیت را از یکدیگر تمییز داد، که عبارتند از: ۱. عقلانیت نظری؛ ۲. عقلانیت عملی و ۳. عقلانیت ساختاری.

حوزه عقلانیت نظری، از قدیمی‌ترین عرصه‌های شناخته شده عقلانیت محسوب می‌شود و آغاز آن به عصر تکوین و شکل‌گیری فلسفه در یونان باستان بازمی‌گردد. دایره عقلانیت نظری به سبب عقلی در حوزه معرفت نظری و تدوین برهان و استدلال محدود است. در مقابل عقلانیت نظری، عقلانیت عملی قرار دارد که به مظاهر عقل، در کردارها و اعمال و رفتارهای آدمیان اشاره می‌کند و در زبان جامعه‌شناسان، این جنبه از عقل به «عقلانیت کنشی» تعبیر شده است. عقلانیت عملی پدیده‌ای عینی یا صورتی از کاربرد عقل است که کنشگر هنگام عمل، به جهت و چگونگی تحقق آن توجه دارد. در کنار این دو نوع عقلانیت، عقلانیت ابزاری یا ساختاری وجود دارد که در این نوع عقلانیت، عقل در نهادها و قواعد جمعی باز تولید می‌شود و نیازی نیست هر فرد به صورت آگاهانه بر عقلانی بودن رفتارش، نظارت داشته باشد. ایشان در ادامه بیان می‌دارد که موضوع عقلانیت در توسعه تفکر جامعه‌شناختی که در واقع پایه و بنیاد سایر علوم انسانی و اجتماعی است، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای داشته است. ابهام در مفهوم عقلانیت در جامعه‌شناسی غرب و تفاسیر گوناگون از معنا و مصادیق آن بسیار زیاد است. در ایران نیز ابهام مضاعف مفهوم عقلانیت از آن جا ناشی می‌شود که این مفهوم همراه با علم جامعه‌شناسی به کشور ما وارد شده و مشکلات تطبیقی و مسائل تاریخی - فرهنگی نیز به آن افزوده شده است. به نظر نویسنده برای درک صحیح عقلانیت، تفکیک وجود و سطوح آن، امری ضروری است. یکی از